

رهبری در کلیسای عهد جدید

Drs Gijs van den Brink, 2020

منتشر شده در مجله Study Bible magazine 13.3

موضوع "بنا نهادن کلیسا" و "رهبری" بحث روز است. بسیاری از کلیساها برپاساختن کلیساهای جدید را مأموریت خود میدانند. البته که این یک هدف زیبا است. اما وقتی از کلمه "کلیسا" استفاده می‌کنیم در واقع منظور ما چیست؟ چه نوع رهبری برای این کار مناسب است؟ آیا معیارهایی برای تلاش رسالت‌گونه در جهت گسترش کلیساها وجود دارد؟ رسولان در مورد بناکردن کلیساها چگونه عمل کردند؟ با در نظر داشتن این سؤالات و بسیاری دیگر، می‌خواهم عهد جدید را با شما بخوانم تا ببینیم آیا می‌توان در این رابطه از رسولان بیاموزیم.

کلیسا از سه نگاه

در عهد جدید واژه "کلیسا" (ekklēsia) می‌تواند سه معنی متفاوت داشته باشد. [1] هر سه این مفاهیم را به‌عنوان کلیسا ترجمه می‌کنیم، اما در حقیقت کلیسا در سه شکل می‌باشد. بنابراین مهم است که با توجه به موقعیت استفاده از کلمه کلیسا در متن کلام، ابتدا مشخص کنیم منظور کدام شکل از کلیسا است. "کلیسا" در عهد جدید سه سیمای متفاوت دارد.

اولین سیمای می‌تواند در مورد گروهی باشد که با هم در یک مکان جمع می‌شوند. این جمع می‌تواند در یک خانه یا در یک سالن شکل بگیرد، به‌عنوان مثال در ساختمان یک مدرسه. [2] تا اوایل قرن دوم میلادی مردم معمولاً به همین منظور همدیگر را در خانه‌هایشان ملاقات می‌کردند. بنابراین می‌توانیم برای شفافیت موضوع این گروه‌هایی‌ها را کلیسای خانگی بنامیم.

شکل دوم کلیسا می‌تواند به همه ایماندارانی که در یک شهر یا منطقه ساکن هستند، اطلاق شود. در اینجا این گروه‌ها را کلیسای محلی می‌نامیم. این کلیسا در یک منطقه جغرافیایی مشخص قرارگرفته است. به‌عنوان مثال کلیسای رم، که نامه‌ای از پولس (رساله به رومیان) را دریافت کرد و یا نامه پولس به غلاطیان که برای همه ایمانداران ساکن در منطقه غلاطیه (استانی در ترکیه فعلی) ارسال شد.

سومین سیمای کلیسای جهانی است که شامل همه ایمانداران در سراسر جهان می‌باشد. در ادامه به اشکال آشناتر کلیسا نگاه خواهیم کرد، یعنی کلیسای جهانی و کلیسای خانگی، و بررسی خواهیم کرد تا به نوع رهبری هر یک از آنها پی ببریم و در آخر نیز به کلیسای محلی می‌پردازیم.

رسول دوره‌گرد

کلیسای جهانی فقط یک سر دارد و آن سر عیسی مسیح می‌باشد که در آسمان‌ها ساکن است. به‌عنوان مثال، ما می‌توانیم در این رابطه رساله افسسیان را

(22:1) بخوانیم " او همه چیز را زیر پای او نهاد، و مقرر فرمود که او برای کلیسا سر همه چیز باشد. " عیسی سر است و کلیسای روی زمین بدن او است.

بر روی زمین، کلیسای جهانی در زمان عهد جدید دارای یک ساختار رهبری سازمان‌یافته نیست، اما در حقیقت گونه‌ای از رهبری را دارد و آن رهبری رسولان است [3]. یک رسول در عهد جدید در مقام مسئولیت یک کلیسای محلی قرار نمی‌گیرد ولی این سه مشخصه زیر را دارد.

اول اینکه، رسول شخصاً توسط خداوند فرا خوانده می‌شود. به‌عنوان مثال، ما در مورد پولس در غلاطیان 1:1 (به علاوه ر.ک. به آیه 15) می‌خوانیم. "از پولس، رسولی که رسالتش نه از جانب انسان‌ها و نه به واسطه انسان، بلکه به واسطه عیسی مسیح و خدای پدر است که او را از مردگان برخیزانید."

دوماً، او در مکان‌هایی کار می‌کند که دیگران به آنجا نمی‌روند. به این ترتیب او پیشگام است و در مکان‌هایی فعالیت می‌کند که انجیل هنوز آورده نشده است (یا مزده انجیل در معرض آسیب قرار گرفته است). به هر حال، این روشی است که پولس رسول در پیش‌گرفته است (ر.ک. به 2 قرنتیان 13:10-16). سوم، او مسئولیت اصلی مراقبت‌های بعدی و راهنمایی گروه‌های خانگی که تأسیس کرده را بر عهده دارد (به‌عنوان مثال نگاه کنید به 2 قرنتیان 10-13).

پرسشی که مطرح می‌شود این است که یک رسول در حقیقت چقدر مستقل بوده. البته او به‌عنوان یک بناکننده کلیسا، در ابتدا به طور مستقل کار می‌کرد، اما می‌توانیم از اقدامات پولس در سدهای بزرگ دیگری نیز بگیریم. پولس روحیه همکاری قوی داشت. هدف او این بود که رسالت رهبری‌اش توسط سایر رسولان در اورشلیم شناخته شود تا همه رسولان با هماهنگی فعالیت نمایند. به‌عنوان مثال، در غلاطیان 2:1-2 می‌خوانیم، "پس از چهارده سال، دیگر بار همراه برنابا به اورشلیم رفتم و تیتوس را نیز با خود بردم... در آنجا انجیلی را که در میان غیریهودیان موعظه می‌کنم بدیشان عرضه داشتم؛ البته در خلوت، و نیز تنها به رهبران سرشناس، مبادا بیهوده بدوم یا دویده باشم."

علاوه بر این، اولین سفر بشارتی او بنا به انتخابش نبود، بلکه روح القدس با انبیا و معلمان کلیسای آنتاکیه سوریه صحبت کرد. "هنگامی که ایشان در عبادت خداوند و روزه به سر می‌بردند، روح القدس گفت: «برنابا و سیلاس را برای من جداسازید، به جهت کاری که ایشان را بدان فرا خوانده‌ام.» آنگاه، پس از روزه و دعا، آن‌ها [انبیا و معلمان] دست بر آن دو نهاد، ایشان را روانه سفر کردند." (اعمال 13:2-3)

همچنین مهم است که در نظر داشته باشیم، در زمان بروز مشکل یا اختلاف، به منظور حل آن "یک جلسه" تشکیل می‌شده است. به‌عنوان مثال، در اعمال 6 (آیه 2) شرح جلسه‌ای را می‌خوانیم که رسولان در مورد بیوه‌زنان یونانی زبان است که از محروم شدن از جیره روزانه شان گلایه داشتند، تشکیل داده بودند. همچنین اعمال 15:1-3 درباره جلسه‌ای دیگری است درباره اختلاف‌نظر در مورد ختنه، اینکه آیا تازه ایمانداران غیر یهودی باید ختنه شوند یا خیر.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که علاوه بر استقلال عمل از رسولان، قطعاً اطاعت (از کلام انبیا)، مشورت و همکاری نیز وجود دارد.

مرد خانواده به عنوان شبان

در رابطه با کلیسایی که در یک مکان مشخص تشکیل می‌شود، یعنی کلیسای خانگی، رهبری سازمان‌یافته‌ای را مشاهده نمی‌کنیم. این اجتماع بدون بزرگان، بدون شماس‌ها برقرار می‌شود. [4] در اینجا فقط افرادی هستند که عطایای روحانی دارند. پولس بیش از یک بار از آن‌ها نام می‌برد. در 1 قرنتیان 28:12 " اکنون خداوند افراد مختلف را در کلیسا منصوب کرده است، اوّل رسولان، دوّم انبیاء، سوّم معلّمان؛ بعد قدرت معجزات، سپس عطایای شفا دادن و یاری‌رساندن و مدیریت و سخن گفتن به انواع زبان‌های غیر."

همچنین در افسسیان 11:4 " اوست که بخشید برخی را به‌عنوان رسول، برخی را به‌عنوان نبی، برخی را به‌عنوان مبشر، و برخی را به‌عنوان شبان و معلّم... "

همچنین در یک جلسه دیگر در 1 قرنتیان 26:14 " پس مقصود چیست، ای برادران و خواهران؟ هنگامی که گرد هم می‌آیید، هر کس سرودی، تعلیمی، مکاشفه‌ای، زبانی و یا ترجمه‌ای دارد. این‌ها همه باید برای بنای کلیسا به کار رود."

اگر بخواهیم برای این گروه‌های خانگی یک فرد به‌عنوان رابط مشخص کنیم به میزبان خانه برمی‌خوریم، کسی که این جمع ایمانداران را در منزل خود پذیرایی می‌کند. به این ترتیب پدر خانه یا صاحبخانه به‌عنوان یک شبان یا پدر و به‌عنوان فرد رابط کلیسا عمل می‌کند. به‌عنوان مثال، ما در مورد استفان و خانواده‌اش در نزدیکی شهر قرنتس می‌خوانیم (1 قرنتیان 15:16-16). همچنین این میزبان می‌تواند یک زوج متأهل باشد. پولس به جمع ایمانداران قرنتس در کلیسای خانگی " آکیلا و پریسکیلا و جمع خانگی آن‌ها " درود و سلام می‌فرستد (اول قرنتیان 19:16). همچنین این میزبان می‌تواند یک خواهر ایماندار باشد. در این خصوص ما درباره " نیمفا و کلیسای خانگی او " (کولسیان 4:15) و فیبی (رومیان 1:16) نیز می‌خوانیم.

بنابراین ما در برگزاری کلیسای خانگی بزرگان را به‌عنوان رهبر مشاهده نمی‌کنیم. بلکه کلیسای تشکیل‌شده و پولس نامه‌ای به آنجا فرستاده است که در آن به سرپرستان کلیسا اشاره می‌کند (فیلیپیان 1:1). از این گذشته نامه‌های پولس به تیتوس و تیموتائوس برای جمع ایمانداران نوشته نشده است. پولس احتمالاً نامه‌ای را از شهر رم به فیلیپی در سال 62 میلادی نوشت [5]، یازده سال پس از آنکه سیلاس، تیموتائوس، لوقا و پولس به فیلیپی در بین سال‌های 50 و 51 پس از میلاد برای اولین بار به این شهر سفر کرده بودند. [6] صحبت از ناظران و خادمان به صورت جمع در این نامه نشان می‌دهد که در فیلیپی در سال 62 میلادی، چندین گروه خانگی وجود داشته و این که پولس برای همه ایمانداران در شهر فیلیپی این رساله را نوشته بود. سپس ما مشاهده می‌کنیم که سرپرستان و بزرگان کلیسا به این ترتیب منصوب می‌شوند.

سرپرستان و شماس‌های شهر

وقتی صحبت از یک کلیسای محلی می‌شود، این کلیسا مشمول همه ایمانداران ساکن در یک شهر (مانند اورشلیم، روم و افسس) یا یک ناحیه (مانند غلاطیه) می‌شود. چنین منطقه یا شهری می‌تواند چندین کلیسای خانگی داشته باشد. این را

به عنوان مثال در رومیان 16 می‌بینیم، جایی که پولس به چندین گروه خانگی کلیسای رم سلام و درود می‌فرستد. در عهد جدید تنها در این سطح است که رهبری سازمان‌یافته‌ای از سرپرستان (بزرگان) و شماس‌ها را مشاهده می‌کنیم.

خطابه پولس در نامه‌های خود به تیتوس (63 میلادی) و تیموتائوس (62-63 میلادی) در این مورد کاملاً روشن است. تیتوس و تیموتائوس باید کلیساهایی را در کرت و در شهر افسس سازمان‌دهی کنند. پولس در تیتوس 5:1 می‌گوید: "تو را از آن رو در کرت بر جا گذاشتم تا کارهای ناتمام را سامان‌دهی و همان‌گونه که تو را امر کردم، در هر شهر مشایخی برگماری."

بنابراین نه در هر گروه یا کلیسای خانگی! همچنین نامه‌های پولس به تیتوس و تیموتائوس تنها نوشته‌هایی هستند که در آن‌ها پولس به تفسیر درباره شرایط بزرگان و شماس‌ها صحبت می‌کند.

کلیسای امروز

حال ببینیم این نکات چه پیامی برای کلیساهای امروزی دارند؟ این برای کلیساهای ما به چه معنایی می‌تواند باشد؟ اولین مشکل این است که کلیساهای ما بر اساس شهرها سازمان نمی‌یابند بلکه بر اساس فرقه‌ها تنظیم می‌شوند: کاتولیک روم، پروتستان، باپتیست، پنطیکاست و غیره. اگر منظور پولس را به درستی بفهمیم، او به شدت تقسیم‌بندی کلیساهای بنا به هویت گروه خودشان را رد می‌کند (1قرن‌تیاں 10:1-12). در مورد رهبری، ما امروزه به سه مدل در کلیسا برمی‌خوریم.

1. مدل رهبری اسقفی. نمونه بارز آن کلیسای کاتولیک روم است. عیسی سر کلیسا است، سپس یک رهبر دیگر به عنوان سر کلیسا روی زمین منصوب می‌شود (پاپ)، و در رده پایین‌تر آن اسقف‌ها در هر منطقه منصوب می‌شوند به همین ترتیب سلسه مراتب از بالا به پایین سازمان‌دهی می‌شود.

2. مدل پرسبیتریانی (Presbyterianism) (کلیسای مشایخی) نوعی از شورای بزرگان (مشایخ). این مدل را در اکثر کلیساهای پروتستان و انجیلی مشاهده می‌کنیم.

3. مدل جماعت‌گرایی (جماعت = جماعت سازمان‌دهی شده). از زمان اصلاحات، این مدل را بیشتر اوقات در فرقه‌های آنابپتیست (Dopersen-Anabaptism) و باپتیست (Baptists) می‌بینیم. روح در کلیسا از طریق همه اعضای کلیسا کار می‌کند که بنیاد این ساختار است. این ساختار از پایین به بالا سازمان‌دهی می‌شود.

کدام شکل بهترین است؟ البته قصد ندارم چنین کاری را انجام دهم. بلکه می‌توانم به این سؤال پاسخ دهم که کدام مدل را در عهد جدید مشاهده می‌کنیم. مدل رهبری اسقف‌ها در زمان عهد جدید وجود نداشت و تا قرن دوم نیز پدیدار نشده بود. اما شورای بزرگان یا مشایخ را می‌توان در عهد جدید در هر شهر یا منطقه‌ای یافت به این ترتیب که یک شبان به عنوان پدر یک خانواده روحانی ساختار کلیسا را تشکیل می‌دهد که در یک مکان گرد هم جمع می‌شود، مانند کلیسای خانگی در قرن اول.

سرانجام، می‌خواهم برخی از وظایف یک شبان‌کلیسا را که در یک مکان جمع می‌شود، ارائه دهم.

شبان یک نمونه است

رهبری بر اساس مدل کلیسا به‌عنوان خانواده خداوند، چگونه عملی به نظر می‌رسد؟ این موضوع را پطرس در نامه اول پطرس 2:5-3 بسیار زیبا بیان کرده است.

"گله خدا را که به دست شما سپرده شده است شبانی و نظارت کنید، اما نه به اجبار بلکه با میل و رغبت، [آن‌گونه که خدا می‌خواهد]؛ و نه برای منافع نامشروع بلکه با عشق و علاقه. نه آنکه بر کسانی که به دست شما سپرده شده‌اند سروری کنید، بلکه برای گله نمونه باشید."

پطرس رهبری کلیسا را همان‌گونه که عیسی رهبری کرده بود توصیف می‌کند. یک شبان خوب با اعمال قدرت و اجرای قوانین رهبری نمی‌کند. یک شبان خوب مانند یک پدر برای خانواده خدا است. او الگوی خوبی است. الگوی خوب برای پیروی سایرین مناسب است.

اعتقاد خود را به گونه‌ای زندگی کنید که به دیگران الهام بخشیده و آن‌ها را به پیروی دعوت کنید.

پولس همچنین به منظور تأکید بیشتر مثالی را ارائه می‌دهد (1 تیموتائوس 6:4-16). خلاصه این پیام پولس به تیموتائوس را در 1 تیموتائوس 12:4 می‌خوانیم: "مگذار هیچ‌کس تو را به سبب جوانی‌ات حقیر شمارد، بلکه در گفتار و کردار و محبت و ایمان و پاکی، همه مؤمنان را سرمشق باش." پس نه تنها در گفتار و کردار، بلکه در افکار، عشق، ایمان و پاکی نیز نمونه باشید. چگونه می‌توان همچین نمونه‌ای بود؟

ابتداءً، پولس می‌گوید: بگذارید در کلام ایمان نمونه باشید (6:4). کلام ایمان، یعنی پیام عیسی مسیح، آنچه هست، همان‌طور که بود، مثل خاک، حاکی است که ما در آن کاشته شده‌ایم [7] و از آن غذای معنوی خود را دریافت می‌کنیم.

دوماً، او در آیات 7 و 8 می‌گوید که تیموتائوس باید خود را در *eusebeia* (در ترجمه فارسی قدیم کتاب مقدس به معنای دینداری)، در خداپرستی، در اعتقاد به زندگی، تربیت کند. در دعا و عبادت روزانه و خواندن کتاب مقدس منظم باش. مراقب خود و زندگی روحانی خود باش. سپس پولس می‌گوید: به این ترتیب است که پیشرفت و رشد ایمان ما، برای همه قابل مشاهده می‌گردد (15:4). دیگران چگونه می‌توانند آن را ببینند؟ دیگران تنها زمانی می‌توانند آن را مشاهده می‌کنند که شفاف باشید، اگر نامه سرگشاده‌ای باشید که بتوانند آن را بخوانند و اگر صریحاً درباره نگرانی‌ها و دشواری‌های خود و نحوه برخوردتان با آن‌ها صحبت کنید. پولس می‌گوید (در آیه 16)، وقتی از خود و تعلیمات خود مراقبت می‌کنید، شما خود و کسانی را که به شما گوش می‌دهند نجات می‌دهید.

به عنوان یک شبان شما در مقامی بالاتر از سایر ایمانداران نیستید. شما فقط یک وظیفه متفاوت دارید.

شبان یک مربی است

شبان علاوه بر نمونه بودن، یک مربی هم است. این همان چیزی است که پولس در کولسیان 28:1 می‌گوید: "ما او را وعظ می‌کنیم، و هر کس را هشدار می‌دهیم و با کمال حکمت می‌آموزیم، تا همه را کامل در مسیح حاضر سازیم."

امروز در کلیسای ما نیز تفاوتی نمی‌کند، همه در مسیح به کمال می‌رسند. پولس هیچ فرهنگ یا سن خاصی را ترجیح نمی‌دهد. همه گوسفندان گله برای او به یک اندازه مهم هستند.

واژه کمال در یونانی *teleios* است و به معنای کامل یا بالغ است. این اراده خداوند است که همه مردم دوباره کاملاً خوب شوند. این تنها از طریق فیض عیسی مسیح و قدرت روح القدس امکان‌پذیر است. اما باید در این زمینه همکاری کنیم. پولس می‌گوید: برای این کار من تلاش می‌کنم و مبارزه می‌کنم، نه با قدرت خودم بلکه با قدرت روح القدس (کولسیان 29:1).

پس از شبان چه انتظاری می‌رود؟ «نصیحت کردن» و تعلیم دادن به همگان. *Noutheteō* یا "نصیحت کردن" اهمیت بسیاری دارد. این واژه یونانی متشکل از *nous* "ذهن، درون" و *tithēmi* "قرار دادن" می‌باشد و در واقع به معنای "درج کردن-ثبت کردن بر قلب کسی" است. بنابراین می‌توانیم از ترکیب "ثبت کردن بر قلب" و "تعلیم دادن"، معنی "پرورش دادن" را استخراج کنیم. این دقیقاً وظیفه شبان است که ایمانداران را در ایمان پرورش دهد تا به مسیحیانی بالغ تبدیل شوند. اینکه آن‌ها در مسیح کامل شوند، یعنی ذات الهی به خود بگیرند.

رهبری کردی یک خدمت است

هدایت و رهبری در گروهی عملی می‌شود که شما عضو آن هستید. شما در جایی می‌توانید رهبری کنید که نمونه‌ای برای دیگران باشید. به عنوان یک رهبر، شما دائماً شنوای خواسته‌ها و نظرات دیگران هستید. شما بر روی خدمت کردن متمرکز هستید، نه منافع شخصی. همچنین آماده برای کمک در اصلاح دیگران. پولس می‌گوید که حتی پیام نبوت‌کنندگان نیز باید مورد قضاوت قرار گیرد (اول قرن‌تیا 29:14).

همیشه آماده پاسخ‌گویی به کسانی باشید که درباره آنچه شما می‌گویید یا انجام می‌دهید سؤال دارند. پولس می‌گوید، معیار مهم و حائز اهمیت، ساختن کل کلیسا است (اول قرن‌تیا 26:14). خدمت‌گذاران حقیقی در پی برطرف کردن نیازهای مردم هستند. عیسی مسیح وظایفی را انجام داد که دیگران از آن اجتناب می‌کردند، مانند شستن پاهای شاگردان، کمک به کودکان و خدمت به جذامیان. او هیچ چیز را زیر شأن خود نمی‌دانست، زیرا برای خدمت آمده بود. خدمت‌گذاران واقعی در پی تشویق مردم نیستند. آن‌ها فقط به دنبال تأیید یک شخص هستند: عیسی مسیح.